

# روزنامه دولتی ایران

پنجشنبه نهم شهریور ۱۳۲۸  
 پنجم شهریور ۱۳۲۸

منبعه دارالخلافه طهران

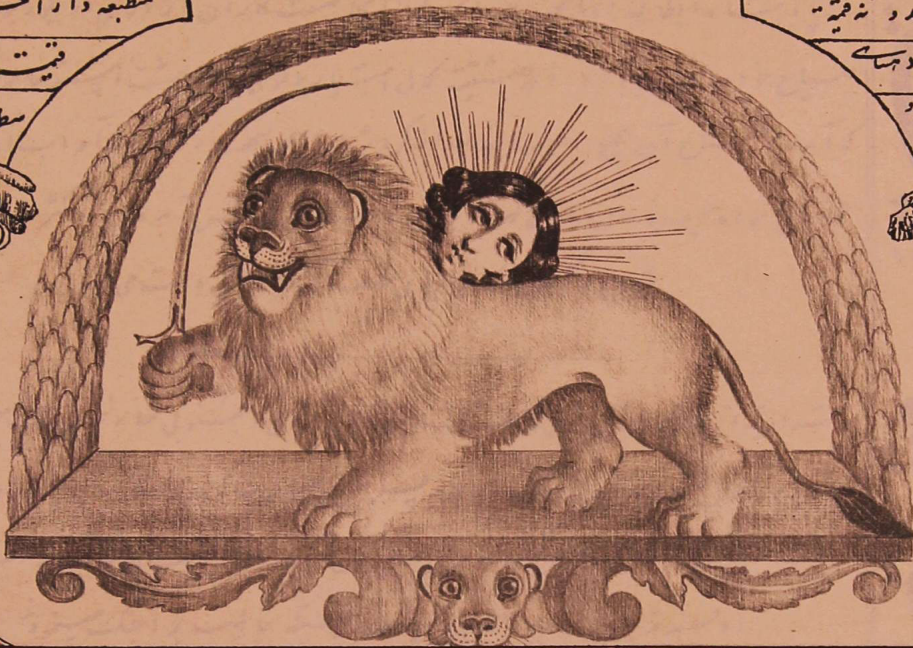
قیمت اعلانات

سطر در هشتاد

نزهت باغچه و نزهت

روزنامه نهم پانزدهم شهریور

سالنامه نهم پانزدهم شهریور



## اخبار ممالک متحد محروبه

تهدید و التماس وجود فایض انجود مبارک با کمال صحت همواره بوضع تاسیس قواعد سیاسی  
 بلاد و اجرای احکام عدلیت عباد لازم توجه بسند دل میفرمایند و هیچ دستگیر از  
 دست یق ملک داری را به توجهات خاطر حسدیوانه عمل و متروک نمیکند  
 غالب اوقات مبارک را صرف انتظام تمام مملکت  
 در فاد حال رعیت دولت  
 میفرمایند

التماس عباد لازم توجه بسند دل میفرمایند و هیچ دستگیر از دست یق ملک داری را به توجهات خاطر حسدیوانه عمل و متروک نمیکند غالب اوقات مبارک را صرف انتظام تمام مملکت در فاد حال رعیت دولت میفرمایند

چون این اوقات بعلت بارندگی که در دار الخلافه واقع شده که بسیار برف گرفته است و شمار و فرسودگی چندان در وقت قبل موجب  
 مسعود همایون بجز شکار بخت و دشان پیه عزیمت فرمودند ابتدا آرمیدان مشی که صبح افواج متوقف در الخلافه  
 و سواره نظام مشغول شکار و تحقیق فنون قوا عهد نظام شده تشریف فرما گردیده آرزو افواج امتحان تیراندازی تفنگها  
 و گنی استیاعی از دولت فرانسه را با چاشنی که در کارخانه طهران میسازند بمقدور دو ساعت شلیک و امتحان تفنگهای مزبور  
 بعمل آمده است تیر تفنگ چاشنی بطوری بود که از هر دسته که یکصد تیر تفنگ می انداختند شهاب و سپه قبضه باز نماند  
 بعلت این بود که تا حال پسران با بد اخلاق تفنگ و گنی عادت نکرده اند پس از چندی کاملاً خواهمند آموخت و چاشنی که در  
 کارخانه طهران ساخته میشود امتحان شده بسیار خوب از عمده برآمد و اندک پس از اتمام مشی بشکارگاه تشریف بردند عصر آنروز  
 بمقر سلطنت مراجعت فرمودند

در روزنامه قبل اشاره شده بود که عیسی خان عثمانی دلد حکمران یزد که برای اسپستان نوبی در اراک  
 سعادت حضور باهرا تهور همایون آمده بود بجهت عارضه ناخوشی که در عرض راه دست او درین چند روز بسبب بیماری جاودانی  
 ارتحال نمود بملاحظه شرف انتساب و بجا نوازه سلطنت عظمی چسب رجال دولت و ذرا عظام و اعیان در بار  
 حاضر شده با کمال توقیر و احترام جنازه آن مرحوم را حمل دادند و در مجلس ختم و تغزیت فراسم آوردند چون در شهر  
 با موریت و حکومت که از جانب دولت با رجوع شد با کمال کفایت کار دانی از عمده برآمد خاطر اولیای دولت  
 از فوت آن مرحوم متاسفین کمال آشفته طالت که دید سرکار آمد پس همایون فقط بملاحظه حقوق خدمات او حسینقلی خان پسر  
 بزرگ او را که در یزد نایب الحکومه بود بجهت آن ولایت سرافراز فرموده میرزا شیخ مستوفی را که سابقاً هم چندین سال  
 آنجا بود مجدداً بمصوب وزارت و پیشکاری آنجا مأمور رواند

فردمورد

چون این اوقات شهر طهران کمال آبادی را بهم رسیده و تقبی که دیگر هیچوجه مکانی بجهت احداث عمارات جدید باقی  
 نمانده است از چند سال قبل تا حال مردم در خارج شهر احداث عمارت نمینمایند که حال عمارات عالی پسا  
 ممتاز در خارج بنا شده است. (پس کارا قدس همایون شامنت همی محض آبادی مملکت و تسبیل امور عامه  
 مردم باغ مرحوم میرزا بنی خان که در خارج دروازه شمیران است و چهارده سال قبل موافق قبالبشرعیه  
 بدیوان اعلیٰ منتقل شده است بمغیر الممالک مرحمت و اکتاف فرمودند که از اینصورت آنجا را افزود فرموده و هر کس  
 طلبت خریداری نماید احداث عمارت و پروتا کنند. (باغ ایچانی که خارج دروازه دولت متعلق  
 بدیوان اعلیٰ بود چندی قبل باین دولت بکلیت دار بامی مرحمت و اکتاف کردید چون لازمه است تمام دروز است  
 و صفاد طرادتان باغ از این دولت ظاهر شده بود در چهارشنبه پانزدهم سرکار اعلم حضرت همایون

وقایع دربار و اخبار  
 و اخبار و وقایع دربار

توسعه اخبار در بار معادله ایوان الخلد

شاهنشاهی تشریف منزهی باغ مزبور گردیده صرف سنا و عصیان در آن باغ منتهی نمودند استقامتی که امیر لک و  
در شمع و شطیف و تعمیر باغ بعمل آورده و هم تشریفاتی که در روز تشریف فرمائی آنحضرت شاهنشاهی داشت در  
نظربارک پسندیده و مطبوع است

چندی قبل که دارالمنزه هرات بدست عساکر منصوره مفتوح و متحرک گردید امیر عطار اسر خان تیسوری باو هرات  
نظایل خود کوچیده در کوه سرخ و ربع شامات از صفحات سبز و از من توابع خراسان که از جانب اولیای دولت  
مشغول شده بود سکونت اختیار نموده و مشغول خدمتگذاری گردید این اوقات با چند نفر پیوسته جمع خود شرفیاب  
ایستان همایون شده و بلا حطه خدائی که از او بطور رسید به مورد نوازشات ملوکانه گردید و پس از چندی  
وردانه خواهد شد) (رضا قلیخان برادر پسر پسر که حامل عریضه خاتم السلطنه و اسرای تکرمان بود چند روز  
قبل شرفیاب حضور همایون گردیده و عریضه خاتم السلطنه را تسلیم نموده مورد مرامم خسته اند شده و اسرا  
که همراه آورده بود در انبار توپخانه محبوس نمودند) (در روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز  
سابق اشعاری شده بود از اثر همینت موکب همایون بارندگی کامل شده و دیگر ز علی التوایله باران رحمت نازل شد  
و از این اثر اقبال کمال خوشنودی اطمینان برای عامه مردم حاصل گردید و از هر سمان بارندگی امراض مختلفه که مدتی در  
شهر دارالمنزه بود بالمره رفع گردید و پیوسته من الوجوه اثری از ناخوشی در شهر ظهور و بروز نداشت

اعلان دولتی

چون سوار همت ملوکانه مصروفست که حتی المقدور بقوا بعد خیریه محکمت که موجب تربیت ملت است پیروز  
و قوا عدلیه مستوجب نظام مهابم دولتت با قضای عواطف علیت شده و استوار و با پجاب مرامم سفیه ملوکانه برقرار  
فرمایند چنانچه در سپای دول رسیم معمول است در دولت علیه نیز مقررات استند احکامیکه از مصدر خلافت صادر  
میشود و با مصای آنحضرت شاهنشاهی مقرون میگردد اعم از منصب و لقب و نشان و حکومت و غیره علامت مخصوصی داشته باشد  
که از آن علامت مراتب ارجح و اعتبارات امتیازات مشخص باشد لهذا از قرار تفصیل احکام و فرامین مبرور دولتی  
و نشان مخصوص در نزد امین شورای منسبط است که از این پیش کلی بدون آن علامت مخصوص پیشگاه آنحضرت شاهنشاهی مقرون نخواهد کرد

دستخط همایون	فرمان شاهنشاهی	فرمان امیران	فرمان پادشاهان	فرمان پادشاهان	فرمان پادشاهان
فرمان منسبط	فرمان منسبط	فرمان منسبط	فرمان منسبط	فرمان منسبط	فرمان منسبط

اجتناب از ظن می

این اوقات در دیوانه نظانی با حضور سپهسالار و جمیع لشکرنویسان هر روز علی الاطلاق مشغول دادن جواب  
و مرسوم قشون هستند

فوج دوم حضرت تبریزی ابوجسعه محمد رضا خان سرتیپ اول که مدتی بود در کابل بود و همیشه سفر او حضرت مشغول  
 و اولی و کشیک مخصوص بود این روزها مرض روانه کردید که چندی در خانهای خود آسوده باشند. (فوج فدوی محمدان  
 جنی مصطفی قلیخان سرتیپ اول که در دارالحکومه مشغول شد و تحصیل قواعده بودند این روزها مرض شده که چندی در خانهای خود  
 آسوده شوند). (سپهسالار و معین الملک این اوقات مشغول جمع و خرج کتابچه عقل قشون و مواجب و مرسوم لشکران  
 هستند که اگر کم و زیادی اشتباه شود و اصلاح نمایند). (ایسپهای توپخانه قدری کم بود این اوقات سپهسالار  
 بر حسب امر قدس در همان مشغول خریداری اسب توپخانه است و معطل توپخانه که سابقاً پسرده باصلان یک یار بود  
 چون بخوبی از عمده خدمت بر نیامد این اوقات میرزا علی اکبر خان اجودانباشی توپخانه سپرده شد). (سواره  
 پسنجانی سیر کردی که موسی خان قاجار که مأمور خراسان بود در این روزها مراجعت نموده و شرفیاب حضور همایون گردید  
 مرض خان نشاند و در همان روز تغییر الملک شتران زنبورکخانه و قاطلان تحت که ابوجامع اوست از سان  
 حضور مبارک گذرانند از نظر امر وقت تغییر الملک در خدمات یوانی خاطر ملوکانه خوشنود کردید و مورد نوازش گردید

جناب ملکر ای

این روزها خبر تازه از تکواف نیت کرایسکه فوت مرحوم اعتماد الدوله را بمحمدالدولت حکمران حمده و  
 قزوین که برادر آن مرحوم است بخابره نموده و دور و در مجلس ختم و تعزیه داری منعت بود و محمد آرا از جانب سنی اجراء  
 همایون بخابره تکواف مجلس ختم او را برچینه و تسلیت دادند

امور معلقه بوزارت علوم

در سپهسالار که دارالمننون هم روزه سوای ایام تعطیل شکران بحدی می آیند و مشغول تحصیل علوم میباشند  
 کمتر در نیت که بعضی از شاکردان غایب باشند آنی تحصیل فراغت ندارند و معین فرینکه و ایرانی سوای ایام  
 تعطیل هم روزه سپردن حاضر میشوند و مشغول تعلیم و تدریس هستند شاکردانیکه بجهت تعلیم علوم هندسه سپرده میسو  
 بزرگ شده و همین شاکردانیکه بجهت آموختن در پس بان سپرده میسو کاربان میباشند مشاکردانیکه بجهت آموختن  
 شاکردان خود را در مدت و سال متعین تحصیل کند از مشاکردان اعضاد السلطنه وزیر علوم با موافقتی که مشاکردان  
 دارند در مدت و سال متعین تحصیل خواهند شد و نیز شاکردان دیگر در تحصیل علوم کامل و ما هر میشوند  
 کارخانه ریسمان ریزی دیک بخاری که سابقاً اعتقاد السلطنه وزیر علوم آدم فرستاده بود از نظر نوریغ  
 امتیاع کرده پاورند از قریکه این اوقات صدیق الملک نوشته بود دیکت را خرید همی سفد که رخ رودخانه  
 آمل آب شود دیکه اخوان سندان در معیشت کارخانه مزبوره بجهت رسیدن انجیر مشغول سوار کردن  
 چرخ و اسباب و ادوات آن میباشند که ماریس دیک چرخها حاضر موجود بود و چون معطل و دیگر کار گذاشته

توقه خجسته از دارالحکومت و خانها و ستم و آزار

تجدید اخبار دادگزاران

مشغول عمل شوند. کارخانه بلورسازی با وصف آنکه کارخانه فرنی ساخته شده است با همین کارخانه ایرانی که بجهت امتحان ساخته شده است بلورهای خوب مرغوب انواع و اقسام مختلف ساخته میشود بقیه که مردم همان بلور خرید و بکار میبرند و بعد از ساختن کوزه فرنی بلور خوب مثل بلورهای فرنگستان ساخته خواهد شد. کارخانه صرور مشغول ساختن کاغذهای تحریر و غیر تحریر میباشد بطوریکه اکثر کاغذهای عطاری طرآن از کارخانه داد میشود و کاغذ تحریرش بسیار خوش خمیره و خوش قلم است که اکثر تحریرین از روی میل طالب آن کاغذها هستند کارخانه شمعی این اوقات مشغول ساختن اطاق و صحن و مکنه میباشد که ان شاء الله بعد از ساختن اسپاب مشغول ساختن شمع شده این صنعت ارواح دهند. امور تجارت از اهتمام اعتضاد السلطه وزیر علوم نظام را دارد و روزهای و شنبالی شام و سایر روزها حتی الممتد و بابت سفیران تجار اجلاس تجاری میکنند و بمطالب تجار رسیدگی نمایند اگر عمل جزئی است که خود در آن مجلس خواهد گذرانید و الا بعض خاکبای مبارک میرسانند و جمیع امور تجار را بر وفق حساب قاعده میکند آنکه آسوده خاطر مشغول عاید و ام دولت اعحضرت شاهنشاهی باشند

امور متعلقه بدیوان عدلیه اعظم

میرزا فتح الله سررشته در عهدان بدیوان عدلیه عارض گردید که هشتصد تومان و کسری بجلوه و منافع امیرزاده عبدالکریم پستونی کیلان طلبکارم موافق تمکات شرعی و نوشجیات بجزده مهر خود شش ماه چند سال است که همرا بتعلل و طفره میکند از میرزا عبدالکریم احضار بدیوانخانه مبارک شده با حضور طرفین رسیدگی بعمل آمد مثنی الیه نوشجیات شرعی و مهر و خط خود کردید بعد از وقت تمام معلوم شد که میرزا عبدالکریم محض از بابت لجاج و عناد آنجا میکند از قرار مستلر داد کلینه دیوانخانه مبارک که اصل ثواب میرزا مشح الله را که پانصد و شصت تومان بود از پنج اول معامله تومانی یکصد و بیست و پنج محسوب شد که تمامی ثواب معقود نمود تومان شد و حکم قطعی بر اسپتار ادخواته مزبور امیرزاده عبدالکریم صادر شده است احقاق حق بعمل آید. میرزا زینل لشکر نویسنده دیوانخانه مبارک که عارض شد که مشدی حسین نام دلال شیرازی خانه واقعه در دار الخلافه ملکی خود را نزد من بیع میدهد تومان بیست و شش است حال کمال متجاوز است که بیع لزوم یا فتنه بیع را تخلیه مینماید و نه اصل و منبر شو اهرامیده مثنی الیه احضار بدیوانخانه کردید معلوم شد که میرزا زینل بجای است و او را بحال انکار نیست از دیوان عدلیه تمسک شد که قراری گذارده شود چون مشدی حسین قدری استطاعت براد ای آنوجه و تخلیه خانه ندارد قرار بر آن شد که دو نفر معارضه مزبوره را اقیقت کرد و اصل ثواب میرزا زینل را موافق تومانی یکصد و پنجاه دیار منافع محسوب شود و بعد از تعیین قیمت خانه آنچه زیاد طلب میرزا زینل است بمشدی حسین دنا مید و خانه را تصاحب کند. (صحبته سعدیجان شیرازی و در خبر حرم شاهزاده محمد رضا میرزا عرض کرد که من معقود مزبور بودم و پانصد تومان نقد دیکه کلام الله مهریه من است با حق ارثیه من تراش

تیمه و قایم دارا کجاست  
خراسان  
عراق  
عربستان

منید مذور ثم مرحوم شاهزاده حضار بدیو انخانه شده مکر اینفقره شده مذکرت را ایها معقوده نیست و  
مثار ایها بر صحت عرض خود و ثبوت اینفقره نوشته از محمد آزان حاجی قاسم میرزا محمد ابراز داشت نظر ملاحظه  
نوشته معزی ایله باد و نفاز و تراش امر مثار ایسها با صلاح که شت مابقی که غایب بود مذو حاج معزی ایله هم  
نوشته بود مذک بر صحت خود باقی مستند و بعد از حضور که نوافی شرع قسم بر مثار ایها وارد آورد مذمجد و ارجع مجتهد  
معزی ایسه شد که آنچه را حکم قطعی بد مذاز آفتش را مجری کرد. ( حاجی رسول کیلانی روز یکشنبه پنجم  
شهر جمادی الثانیه بجایکی همایون عارض کردید که قاسم میرزا حسن کیلانی مزرعه در کیسلان با من معاده عیبه  
نموده و بنده السنه و پیستاده هر دو مزرعه را ضبط کرده اند و محصول آنجا را برده و علاوه بر آن شب  
ناگاه حسیته فرستاده خانه مرا عارت کرده اند و معادل سیصد و پنجاه تومان اموال مرا برده اند حکم  
جهان مطاع شرف صدور یافت که از دیرالملك مطالبه احقاق حق او بشود حسب الامر الای از دیوانخانه  
منبر که مطالبه شده چون مدعی علیه غایب بود و صدق و کذب عرض عارض معلوم نبود مستر برین شد که  
چون آقا زین العابدین نایب فرانشا منبر که مأمور کیسلان است بعد از مثار ایله حکم از دیوان عدلیه  
صا در شود که در کیسلان با اطلاع ناصر الملك رسیدگی نموده آنچه از مال عارض بخلاف حساب قاسم میرزا حسن  
برده باشد گرفته برسانند قبضه و اتمام عمل او را بفرستند و بطحا انور همایون مقرون کند

امور مملکت خراسان از ضمن مراقبت شاهزاده چپم التطنه قرین کمال انتظام است و  
پس چه خلاف لظنی ظاهر نگردیده است

اصفهان و تبریز

از مراقبت احصای امور که حکمران این دو ولایت کمال نظم را دارد در متراکمه از اصفهان تو  
بودند امپال در بلوکات آنجا بسیار خوب زراعت کرده اند. ( آقا محمد مهدی سپهر مرحوم حاجی ابراهیم  
که از اجله غلای آن بلد بود بر حمت ایزدی پیوسته الالی ولایت اصفهان با کمال توفیر و احترام جنازه  
ان مرحوم را حمل داده و تا پیروز لارنه تعزیه داری و سپه کواری را بعمل آورده بود مذ

امور صفی عربستان و لرستان این اوقات از هتومات ضیاء الملك و سلیمان خان سر قیاد اول  
و شاب الملك کمال نظم را حاصل کرده است

عربستان ارستان

ارستان

ارستان

و از ستریکه نوشته بود نصیر الملک و سلیمان خان از نظم لرستان اغت حاصل نموده و این اوقات غزیت عربستان  
نموده اند. (پل شوشتر که از طغیان آب قدری خرابی پیدا کرده بود تعمیرات لازم نموده و قریب تمام است  
و بسیار خوب تعمیر نموده اند). (امده خان بختیاری که از مفسدین لرستان بود و محل ولایتی او در عربستان  
بود این اوقات در عربستان بکلیه اعمال قبیح خود گرفتار گردیده کشته شده است

لیکن از قریب نینبندار که در پی فرسخی از فول است بشاب الملک اظهار داشت که شب گذشته چند نفر از الوار  
طایفه سکوند در قریب مزبور میمان بودند صبح پت و سر را پس کا و قاطر سرت کرده برده اند مش را به  
چند نفر از علما و شامسون که همسرا خود برده بودند و از آن در در هفت فرسخی آنها را دستگیر کرده آورده اند  
کا و قاطر را بجا جشرد کرده و در کبکین را شپه کامل نموده است). (محمد تقی خان از فولی که خایف گردیده مشرا  
کرده بود این اوقات مستظرف امیدوار گردیده نزد منسیا الملک آمده است). (شیخ محمد طاهر  
و شیخ محمد هجر که از علمای معتبر عربستان هستند مراتب دو تنخواهی و حنیخ خواهی ایشان در حضور مهران  
اصحفت شامش بمحض ظهور رسیده هر کدام یک حلقه انگشتری

المایس از جانب سنی الجوانب ملوکان

مرحمت و اعطا

گردید

از استقامت امان الله خان و ایلی و جزال اجدان حضور همایون انور این مملکت کمال نظم را  
دارد این اوقات که سپه دار کل نسبت سا و جیلغ آمده بود مش را الیم بدین  
پسر دار کل غزیت آصفیات نموده است

اخبار ممالک شرق حاره

در روزهای پست سابقه در خصوص کشتی بخار بسیار بزرگ مونسوم بشرق کپس که در انگلیس ساخته شده بود شرحی نوشته  
شده بود که در حرکت و مزایای بسیار و تا جود عابر عمل میسند طول آن کشتی بقدریست که از برای اعلام فرمایند  
تعارف ساخته شده بود روزنامه در آن کشتی هر روز چاپ میشود دل التجار با عسرتده آهنگی حمل میشود چنان کشتی  
که صنعتکاران انگلیس بهر منیاع خود در آن کشتی بخار برده بودند که بیسوی چاقوری گذاشته بود و پس از آن انگلیس بیسینی

تاریخ روزنامه گلستان

دنیاى شمالى رفته بسوچ عيسى نكرده بود و مردم چنان ميدانستند كه بعد از اتمام و اخراجات تازه كه در آن  
 كشته بكار بردند بلكى از فدا مات دريا اين و محفوظ خواهد بود بلكه اين كشتى لطف بر امواج خواهد زد تا اينكه  
 سه ماه قبل از اين از انگليس سمت يكنى دنيا حرکت نمود پس با ح و تا جود عله بهمه جهت از زن و مرد  
 و اطفال هشتصد نفر داشت روز حرکت و دو روز بعد شب و روز دريا كمال آرامى را داشت  
 در چنجاه فرسخى سواحل ايران لاند طوفان شديدى دست داده باد تندى ميوزد ناخداى كشتى مى چنبد  
 اين طوفان از آنها نيست كه ديده است حكم بكنودن پردها و شر اعمالى بزرگ ميسد هم آن پردهاى آن  
 صفامت چون پارچه حريريكه تيكه ميشود و گلهاى كشتى ميشكند تا ميرد ندمت اين ضررها را نمايند كه دو  
 چرخ جنسپن كشتى را كه پردهاى آن از آهن است امواج كنده ريز ريز كرده بود از طرف ديگر نكان  
 كه عمار كشتى ايت و از آهن پاشه شده و قطر مشين كچار ك ميشد مثل اينكه يك خوب بسيار نازك باشد  
 موج آنرا كنده ها كه نكان كنده شدند تا كمال تشويش را بهر سازه عابرين هر كدام بجايى  
 مى افتند حالت زن و مرد و اطفال كه در كشتى بودند به تحريرينه آيد از شدت قاطم و حر كشتى  
 همچس اعصاى سالم نداشت هر كس يا سر يا پا يا دستش شكسته بود آنچه در اطرافت از بورد آييند  
 بود جفا ريز ريز شده بخاريهاى آهني كه خيسه نكلم لقب شده بود از شدت طوفان كنده شده  
 آيينهاى سه ذرى و دو ذرى شكسته و بلاى ديگر از بواى مردم آيينكه هر نيكي از شكتهائى آن آيينها  
 بسركي خورده شكسته ميشد در اطاقى كه مخصوص زنها بود در حينى كه تو شل و تو كل بچد اميجشده مشول  
 ناز بود چنبره اس كا در ميان كشتى براى آذوقه بود و در ميان اطاق آنها را جاداده بودند  
 لطفه موجى كشتى خورده آن كا در ازميان اطاق كنده از ديچيه اطاق كه زنها نشسته بودند پاين  
 مى اندازد زنها كه من ز منجا ندم چنان وحشى ميشكند كه طوفان و حالت خودشان فراموشان ميشود  
 و آن كا در حين افتادن مردن آب در ميان انبارهاى آذوقه كشتى پر شده آنچه بود  
 حشى بچدان و صندوق عابرين جمع مثل اينكه آرد باشند خمير شده بود بالاخره آن كشتى با عظمت  
 سه روز و شب چون تخته پاره هر طور كه امواج او را حرکت ميسد ابر روى آب حرکت ميكرد  
 بعد از سه روز غلغلاى سپياحان جمع شده نكان جديدى براى كشتى ميان زد و چسوخ بخارى كه در  
 ريزش كشتى است آزار راه انداخته مجدداً مراجعت بانگليس ميايند در آن حين كشتى ديگر با آنها  
 ميرسد ليكن كوچك بود كه بسوچ بكار مشرق كسب نميزد و ضرراى نوسى مشرق كسب نچاه هزار تومان شده  
 بعضى منبر جاني و مالي كه بجا برين رسيده است و اينهم تجربه رسيد كه چنين سفاين بزرگ بسيار ضررات



و در مقابل امواج محیط تاب مقاومت چنانچه در اول حساب کرده بودند نزار  
 الان آن کشتی بزرگ از بند را نخیس در دست کارگران است که مرمت  
 لازمه بشود تا خدای کشتی نوشته است که از اول عمرانی مال  
 کارم پسر در یاد دین طوفان بود چشیم طوفان

مذیده بودم

مزمور ۵۰

مزمور ۵۰

مزمور ۵۰  
 در مقابل امواج محیط تاب مقاومت چنانچه در اول حساب کرده بودند نزار  
 الان آن کشتی بزرگ از بند را نخیس در دست کارگران است که مرمت  
 لازمه بشود تا خدای کشتی نوشته است که از اول عمرانی مال  
 کارم پسر در یاد دین طوفان بود چشیم طوفان  
 مذیده بودم  
 مزمور ۵۰